

# فلوریو بنونی: سفیر روسیه در بخارا

## کاترین پوژول<sup>۱</sup>

امپراتوران روسیه از زمان پتر کبیر، همواره مترصد الحاق آسیای مرکزی به قلمرو حکمرانی خویش بوده‌اند و برای نیل به این مقصود به عناوین مختلف فرستادگانی به این سرزمینها گسیل می‌داشته‌اند. یکی از این فرستادگان، شخصی ایتالیایی به نام فلوریو بنونی بود که به‌عنوان سفیر روسیه با هدف برقراری صلح و روابط تجاری میان بخارا و روسیه و به‌واقع به‌منظور کسب اطلاعاتی از میزان متصرفات و دارایی‌های زبکان، به بخارا سفر کرد. در مقاله ذیل، وقایع سفر بنونی به بخارا، که با حکومت شاه‌سلطان حسین صفوی در ایران مقارن بوده است، به‌طور مختصر شرح داده شده‌است.

روز ۲۶ ژوئیه<sup>۲</sup> ۱۷۱۷، خان‌قلی بیگ کشیک‌چی - که سفیر بخارا در روسیه دوران پترکبیر بود - برای عرض تبریک پیروزی تزار در مقابل سوئدی‌ها در سال ۱۷۰۹، به سنت پترزبورگ رسید. وقتی روز بیستم نوامبر همان سال به وی اجازه شرفیابی داده شد، او از تزار نه نفر سوئدی به‌عنوان «هدیه برای فرمانروایش»، ابوالفیض خان که دوست داشت چندنفری از آنها نزد خود داشته باشد، درخواست کرد. خان‌قلی بیگ همچنین از تزار تقاضا کرد تا «شخصی معقول و مدبّر» را برای اداره سفارت روسیه در بخارا بفرستد.

برای اجرای این امر، ماجراجویی ایتالیایی به‌نام فلوریو بنونی<sup>۳</sup> که به‌عنوان منشی

1. Poujol, Catherine: «L'ambassade a Boxara de Florio Beneveni, ou Comment Contourner en vain la mer Caspienne: Chronique», in *ETUDES SAFAVIDES*, Sous dire. Jean Calmard. Teheran: IFRI, 1993.

۱. این متن توسط خانم فرزانه شادان‌پور به فارسی ترجمه شده است.

۲. تاریخهای تقویم زولین که در آن زمان متداول بود، در این مقاله براساس تقویم گریگوری، با تفاوت یازده روز داده شده است.

3. Florio Beneveni

«هیأت‌های اعزامی روسیه به مشرق‌زمین» در اداره مرکزی وزارت خارجه روسیه<sup>۱</sup> خدمت می‌کرد، برگزیده شد. وی مأموریت یافت تا موافقت ابوالفیض‌خان را درباره صلح و تجارت میان بخارا و روسیه جذب کند.<sup>۲</sup> بنونی، زبانهای ترکی و فارسی را در قسطنطنیه بخوبی فرا گرفته بود و انتظار می‌رفت که بخوبی از عهده انجام این مأموریت برآید.

فلوریو بنونی اواخر ماه ژوئن ۱۷۱۹ از استراخان حرکت کرد. یک مهندس، یک مترجم، یک روحانی، یک پزشک و خانه شاگرد او، نیکولو مینه<sup>۳</sup> و سفیر بخارا، که به وطن خویش باز می‌گشت، وی را همراهی می‌کردند.

بنونی از وضع بد مقررات مرزی دولت خیهه آگاه بود. واقعه تارومار شدن گردان روس به ریاست شاهزاده چرکس، الکساندر بکویچ چرکاسکیچ<sup>۴</sup>، در سال ۱۷۱۷<sup>۵</sup>، ماجرای نبود که دولت روسیه بتواند به این زودی آن را از یاد ببرد. به همین دلیل بنونی تصمیم گرفت از خاک ایران عبور کند. بدین ترتیب، روز ۲۴ ژوئیه او از دریای خزر گذشت و در شماخی<sup>۶</sup>، جایی که به دلایل سیاست منطقه‌ای حدود دو سال گرفتار آمد، از کشتی پیاده شد.<sup>۷</sup>

در واقع، علاوه بر مسائل داخلی که از پایان حکومت صفویه خبر می‌داد، روابط میان ایران و بخارا، طبق معمول، بد بود و به نظر می‌رسید که حضور خان‌قلی بیگ و همراهان وی نیز از انگیزه‌های این مسئله باشد. خان شماخی هم به توبه خود، سعی می‌کرد بنونی را از این

#### 1. Posol Skij Prikaz

۲. اسناد رسمی این مأموریت، شامل فرامین تزار و استوارنامه‌ها (Gramota) در کتابی با مشخصات زیر به چاپ رسیده است:

Sbornik Knjazja Xilkova, St Petersburg, 1879, p.552-561.

#### 3. Nicolo Minier

#### 4. Aleksandr Bekovic - Cerkasskij

۵. سفارت بنونی، اولین تلاش سیاسی روسها در مقابل خانات ارمنک از زمان «واقعه بکویچ» بود. درباره این هیأت اعزامی بدفرجام، اسناد و مدارک فراوانی وجود دارد. بویژه نگاه کنید به: [روابط روسیه با خیهه و بخارا در زمان بطرکبیر]

A. N. Popov. «Snosenjia Rossii s Xivoj Buxaraj pri Petre Velikom» in *Zapiski I.R.G.O.*, IX(1853), p.1-237; *Materialy Voennogo Arxiva Glavnogo Staba*, St Petersburg 1871, I.p.197-506; C.Poujol, *La Russie et L'Asie centrale, Voyage et expeditions de 1714 a 1840*. Paris 1985, p. 337-339 (These inedite).

#### 6. Samaxi

۷. درباره انقراض سلسله صفوی نگاه کنید به:

L.Lockhart, *The fall of the Safavi dynasty and the Afghan occupation of Persia*, Cambridge, 1958.

که شاه سلطمان حسین - که به تازگی پایتختش را از اصفهان به قزوین منتقل کرده بود.<sup>۱</sup> - از حضور وی مطلع شود، برحذر دارد. [احتمال می رود نویسنده مقاله درک صحیحی از عدم انتقال پایتخت صفویان به گاه حمله افغانها از اصفهان به قزوین نداشته است. بعد از انتقال پایتخت از تبریز به قزوین از زمان شاه طهماسب اول، پایتخت تا پایان سلسله در اصفهان باقی ماند. با وجود این، در واپسین ماههای سقوط صفویه از جمله تمهیداتی که توسط بندگان و درباریان برای نجات عنوان شده بود انتقال مجدد به قزوین به همراه خروج یکی از شاهزادگان بود که البته طهماسب موفق به خروج شد و با تمرکز در قزوین اقدامات ناموفقی انجام داد. وی پس از سقوط نهایی در قزوین تاجگذاری کرد ولی پایتخت باز هم عوض نشد.]

از طرفی، شخصی دسیسه باز، به نام پتریچیس<sup>۲</sup>، که در خدمت دولت روسیه بود، شایعه های هشدار دهنده ای درباره «انگیزه های اصلی» رقیب پُر وعده و وعیدش می پراکند و به رایزنان شاه می گفت که فرستادگان روس در سرزمین ایران مأموریتی نداشته اند و می بایست از خیره عبور می کرده اند.

خان بخارا هم وقتی از زندانی شدن سفیر خود و سفیر تزار - که می بایست خود را به وی معرفی می کرد - مطلع شد، مأموری مخفی به نزد شاه ایران فرستاد تا آزادی آنها را از وی طلب کند.<sup>۳</sup>

بعد از وقایع بسیار، بنونی موفق به فرار از زندان شد و به سوی اقامتگاه شاه سلطان حسین رفت و در آنجا توانست به حضور سلطان رسیده، اجازه ادامه سفرش را به بخارا از وی کسب نماید.

روز سوم ژانویه ۱۷۲۱ بود که سفیر روسیه و همراهانش به پایتخت خانان وارد شدند. یک هیأت بلند پایه و پنجاه نفر از خدمه خان از آنان استقبال کردند و این در حالی بود که خود خان مراسم استقبال را از پنجره قصر می نگریست.

در آنجا نیز فلوریو بنونی، قربانی وضعیت سیاسی مغشوش حاکم بر دولت شد. رؤسای طوایف ازبک که ابوالفیض خان تحت نفوذ آنان بود، به هر دستاویزی متوسل شدند تا از مذاکره بنونی با خان بدون حضور غیر، جلوگیری کنند. خاصه آن که خان بخارا بدون شک

۱. در حالی که شاه عباس اول پایتخت را در سال ۱۰۰۶ هـ / ۱۵۹۷-۱۵۹۸ م از قزوین به اصفهان منتقل کرده بود. شاه سلطان حسین در سال ۱۱۳۱ هـ / ۱۷۲۱ م تا بهار ۱۱۳۳ هـ / ۱۷۲۳ م با تغییر پایتخت، چرخشی استراتژیک به سوی قزوین کرد تا بتواند سپاهانش را در مقابل افغانها سازماندهی کند.

2. Petricis

3. A.N.Popov, *op.cit.*, 1853, p.41.

قدرت خود را با تأیید دولت روسیه مستحکم تر می‌دید.<sup>۱</sup> آنان تا آنجا پیش رفتند که بنونی را تهدید به مرگ یا غارت کاروانش توسط ترکمنها در صورت فرار، کردند.

فلوریو بنونی، با توجه به شکست مأموریت سیاسی اش، برای این که بداند چه رفتاری باید داشته باشد و چه شیوه‌ای در پیش گیرد، مشکلات عدیده‌ای در حفظ رابطه با مراجع دولتی روس داشت. اما به هر حال توانست با بهره‌گیری از اقامت طولانی اش در بخارا و ثبت مشاهدات مفیدش؛ از وخامت این شکست بکاهد.<sup>۲</sup> بدین ترتیب که او نیکولو مینیه را به مأموریت شناسایی و بررسی تجارت محلی، به هرات، بلخ و بدخشان فرستاد. بنونی اطلاعات مفصل تاریخی، جغرافیایی و مردم‌شناختی خود را از منطقه در خاطراتش - که به دو زبان روسی و ایتالیایی نوشته شده - درج نموده است.<sup>۳</sup> این اطلاعات بیشتر درباره هدف مأموریتش یعنی متصرفات و دارایی‌های ازبکان است و آگاهی چندانی درباره وضعیت بحرانی حاکم پرایران در هنگام عبور وی از خاک این سرزمین، در چند ماهی که تا تصرف اصفهان به وسیله افغانها و تسلیم بی‌قید و شرط شاه سلطان حسین باقی مانده بود، به دست نمی‌دهد.

س انجام، فلوریو بنونی از بازگشت به روسیه از مسیر قبلی چشم پوشید و تصمیم گرفت تا راه شمال را در پیش گیرد و روز ۸ آوریل ۱۷۲۵ پنهانی از بخارا گریخت. چهار ماه طول کشید تا او به خیوه برسد و در آنجا نیز به دشواری توانست خان شیر قاضی را متقاعد کند که روسیه قصد انتقام قتل شاهزاده بکویچ را ندارد و باید به او اجازه بازگشت دهد. بنونی حاضر بود برای اجازه بازگشت تمامی آنچه را که از هدایا برایش باقی مانده بود، تسلیم کند.<sup>۴</sup> فلوریو بنونی در ۱۷ سپتامبر ۱۷۲۵، بعد از ۵ سال غیبت و چند ماه پس از مرگ پطرکبیر، به استراخان رسید.

۱. نگه کنید به: J.V.Xanykov. «Pajasnitel naja zapiska k karte aral skogo morja i xivinskogo xanstva s ix okrestnostjami» [بادداشت توضیحی درباره نقشه دریای آرال و خانات خیوه و اطراف آن] in *Zapiski R.G.F.*, V (1854), p.320.

۲. حقیقت این است که بنونی تا بهار سال ۱۷۲۵ زندانی بوده است.

۳. خاطرات بنونی به زبان ایتالیایی - طبق اظهارات نیکولومینیه - به صورت پیوست در کتاب بوپوف (مذکور در بالا، ۱۸۵۳) چاپ شده و به تازگی پ.پ. بوشف (P.P. Busev)، شرق‌شناس روس درباره آن تحقیقی انجام داده است.

۴. برگردان ایتالیایی داستان درباره جان‌زدن بنونی بر سر آزادی نیز حاوی نکات جالبی است. حسادت خان خیوه وقتی دست و دلبازی بنونی را در برابر خان بخارا - که در قلمرو او سفارت روسیه را به عهده داشت - فهمید، از آن جمله است.